

تاریخ نقاشی های آسیا و جلوه های آن

۱۰ - آسیای مرکزی (ترکستان - افغانستان)

خانم نوشین نفیسی

ادامه داشته در چند کلمه خلاصه کنیم باید بگوییم که: هنر یونانی و رومی پس از آنکه در اولین قرن های میلادی در افغانستان با آیین بودایی برخورد نمود ، بجانب مشرق پیشرفته و در آنجا با سنت های چینی که از جهت مقابل می آمده برخورد نمود و اصول زیباشناسی آن را پذیرفته است . در واقع افغانستان مانند آئینه ی گردانی بود که مفاهیم هنری یونانی ، هندی و ایرانی را به چین و کره و ژاپون منتقل نموده است . نتیجه این برخوردهای هنری به روی دیوار غارهای بیشماری در سراسر آسیای مرکزی نقش شده است . ابتدا دیوار این غارها را با یک اندود بسیار ابتدایی مرکب از گاه ، ساقه نی ، و موی اسب خورد شده می پوشاندند سپس بر روی آن طراحی میکردند . و بر روی این زمینه داستانی جهانی از داستانهای بودایی ، صحنه هایی از زندگی مذهبی ، جنگی و صحراگردی به جای می مانده است . قبای بلند مردان که اغلب برنگ های قرمز تند و سبز کمرنگ نقش شده . ساق بند و با بوتین و خنجری که بکمر بسته اند ، و پیراهن های تنگ و کمر چسبان و دامن های پرچین زنان پیشرفت اجتماعی آنها را نشان میدهد (شکل ۱).

اولین مرکز مهم از غرب بطرف آسیای مرکزی - بامیان - بود . بامیان در واقع یک شهر مذهبی بودایی است که در سینه ی کوه کنده شده و مجسمه های بزرگی بطول ۳۵ متر که در صخره ها حفر شده آنرا نگهدارند . در تمام طول راه و راه های زیرزمینی

سرزمینی که باستان شناسان ، آسیای مرکزی مینامند ، ناحیه ی وسیعی است که قسمتی از آن حاصلخیز بوده و بقیه ی آن که ارتفاعات تبت را احاطه کرده و بصورت ریگزارهایی دیده می شود در جنوب کشور افغانستان قرار دارد . راه معروف باستانی ابریشم از این سرزمین می گذشته است . در اوایل در مسیر این راه فقط آبادیهای کوچکی قرار داشت که کاروانها در آنجا توقف میکردند . کم کم مبلغین مذهبی که به همراه این کاروانها حرکت میکردند صحراگردانی را که از ایران و هندو چین و حتی اروپا می آمدند بدور خود گرد آورده و شهرهای کوچکی بنا نهادند ، که مهمترین آنها توآن هوانگ (Touen Hauang) واقع در ۵۰۰ کیلومتری دیوار چین بود . چون این شاهراه محور مهاجرت ، لشکر کشی و سفرهای بازرگانی را تشکیل میداد بنابراین مورد استفاده ی بیشتر ملل و اقوام قرار گرفته بود . مانند قبایل هون در قرن ششم میلادی ، ایرانیان و چینی ها در قرن هفتم ، اعراب در قرن هشتم و مغولان در قرن یازدهم که هر یک بنوبه خود آثاری در آنجا باقی گذاشتند .

هیئت های باستان شناسی سوئدی ، آلمانی ، روسی و فرانسوی که تا قبل از جنگ اخیر در این سرزمین حفاری کرده اند ، در میان ریگ های خشک ، بقایای تمدنی را که از برخورد تمام ملل آسیائی بوجود آمده ولی تاریخ آن مبهم و تاریک است پیدا کرده اند . اگر بخواهیم این تمدنی را که در طی چند هزار سال



راست شکل ۱ - قسمتی از یک نقاشی دیواری متعلق بقرن پنجم میلادی - موزهی گیومه پاریس
چپ شکل ۲ - قرن هشتم میلادی - توآن هوانگ - موزهی گیومه پاریس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

تصاویر رنگی پیروان بودا تا با امروز بخوبی دیده میشود ،
و بیشک بعضی از آنها از قرن سوم میلادی است . این تصاویر
که گاهگاهی با کمی برجستگی از میان تاریکی بیرون آمده
اغلب زیورهای ساده داشته و بیشتر دور تصویر مرکزی هاله‌ی
سرخ رنگی بصورت زینتی رسم شده و اطراف تصویر مرکزی را
اشخاص و حیوانات سمبولیک احاطه کرده است . در وضع
ولباس این اشخاص خاطره یونانی که در ایران مرسوم بوده
آشکار است .

از قرن هفتم بعد که مسلمانان بایران راه یافتند ، ساکتین
بامیان بطرف هند متمایل شده و مستقیماً از تصاویر آجاتنا
(Ajanta) الهام میگرفتند .

در بامیان نیز مانند سایر نقاط آسیای مرکزی مسلمانان
عبادتگاهها را به مسکن تبدیل نموده و بیشتر تصاویر نقاشی و یا

حجاری شده را آسیب رساندند .

میران (Miran) نیز یکی از مراکزی است که در قرن
سوم و چهارم میلادی از هنر یونانی الهام میگرفته و سپس هنر
بودایی هند با آنجا رواج یافته و در قرن پنجم و ششم میلادی
مستقیماً از موتیف‌های ساسانی اقتباس میکردند .

آثاریکه در ناحیه شمالی این سرزمین باقی مانده روشن‌تر
و غنی‌تر است زیرا راه شمالی که چین و هند و سرزمین‌های
اسلامی را بهم متصل میکرد از این ناحیه میگذشته است .
در این سرزمین وارد جزئیات تاریخی نمی‌شویم ، فقط میتوانیم



شکل ۳ - سوارکار - توآن هوانگ - موزه گیمة پاریس

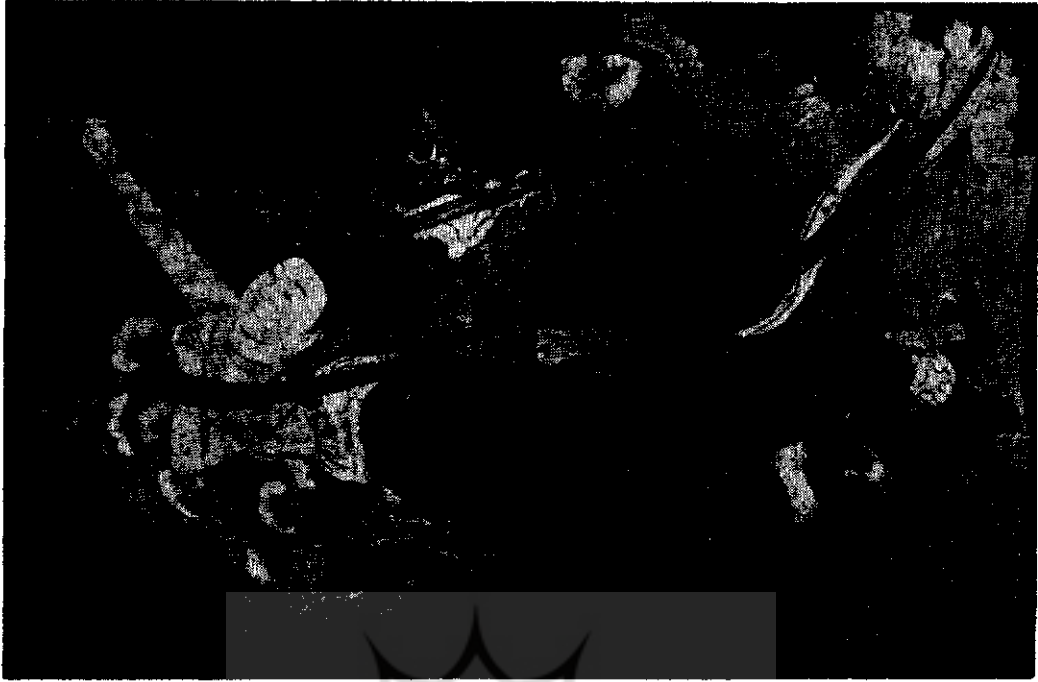
توآن هوانگ است که در محل تقاطع دوراه بزرگ آسیای مرکزی واقع شده و بیش از پانصد غار و صومعه در آن بنا شده و آثار آنها تا سال ۱۹۴۹ که آتش‌سوزی خسارت زیادی وارد آورد بخوبی مشهود بود. در این ناحیه تمام مراحل نقاشی بودایی دیده میشود. در سال ۱۹۰۶ میلادی به پل پلیو (Paul Pelliot) رئیس هیئت باستان‌شناسی فرانسه در آسیای مرکزی در ضمن یک سفر اکتشافی خبر رسید که یک راهب بودایی این شهر طومارها و نسخه‌های قدیمی گرانمایی را بمرض فروش میگذارد تا نیازمندی صومعه خود را برطرف سازد. مرحوم پل پلیو توانست بآن غاریکه در آن این گنجینه گرانها نهفته بوده راه یابد. یک ریزش دیوار محلی، این گنجینه‌ها را که از سال ۱۰۳۵ میلادی در آن پنهان کرده بودند راهب نشان داده بود. این پرچم‌های زیبای ابریشمی و کتانی مزین به نقوش داستانهای مذهبی و نسخه‌های خطی نفیس که اکنون در کتابخانه ملی پاریس و موزه گیمة نگهداری میشود از اینجا بدست آمده است (شکل‌های ۲ و ۳). تاریخ هنر آسیای مرکزی ازین بیعد بدو قسمت تقسیم میشود. قسمت ترکستان با هنر چینی مخلوط میشود و نیز در افغانستان که در آن دوسبک مینیاتورسازی ایرانی و نقاشی اروپائی پیروان زیادی داشته است (شکل ۵).

بگوئیم که در هر آبادی و گذرگاه این شاهراه، آثار پیشروی و عقب‌نشینی اقوام مهاجم و رفت و آمدهای قبایل صحراگرد بخوبی حفظ شده است. هر چه از غرب بطرف شرق برویم از نفوذ ایرانی کاسته و بر نفوذ چینی افزوده میشود. در میان این دو، ناحیه ایست که مستقیماً تحت نفوذ هنر هند و اروپایی قرار داشته است.

از میان این مراکز مهم چوم چوک و کیزیل Kizil را باید نام برد، که دومی شهری است که در ناحیه کوهستانی بنا شده و بر دیوارهای آن نقاشیهایی که اکثر متعلق بقرن پنجم میلادی است دیده میشود که تصویر حیوانات و گیاهان و صحنه‌هایی از زندگی بودا را نشان میدهد. ایرانیان عبور خود را از این ناحیه با نشان دادن تصاویر اشخاصیکه منس بلباس ایرانی میباشند ثبت کرده‌اند. در این غارها طراحی با خطوط پهن انجام گرفته و رنگ‌ها بدون برجستگی بکار رفته، و هماهنگی خاصی بین رنگ خاکستری و قهوه‌ای و سیاه که بر روی سبز کم‌رنگ بکار رفته ایجاد کرده‌اند.

در شهر کوم‌تورا (Koumtoura) نفوذ چینی مشهود است (دوره تانگ).

مرکز بعدی که شهر Chartchoucq است استثنائاً تحت نفوذ هندی و ایرانی قرار داشته و آخرین مرکز



شکل ۴ - زن شناگر - توآن هوانگ - موزهی گیمه پاریس

شکل ۵ - شطرنج - افغانستان - هنرمندان معاصر

